بلال را دیدم که بسوی وادی ابطح خارج شد و اذان داد. وقتی به "حی علی الصلاة، حی علی الفلاح" رسید، گردنش را به راست و چپ چرخاند و بدنش را نچرخاند.

از ابوجحیفه رضی الله عنه روایت است که می گوید: «بلال را درحال اذان دیدم که دهانش را به این سو و آن سو می چرخاند و دو انگشتش در دو گوشش بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم در خیمه سرخ رنگش بود - فکر می کنم گفت: از پوست بود - پس بلال با نیزه ای کوچک خارج شده و آن را در وادی بطحاء نصب نمود و رسول الله صلی الله علیه وسلم که جامه ای سرخ رنگ پوشیده بود، به سمت آن نماز خواند درحالی که سگ و الاغ (از آن طرف نیزه) عبور می کردند؛ گویا اینک به سفیدیِ ساق هایش نگاه می کنم. و در روایتی آمده است: بلال را دیدم که بسوی وادی ابطح خارج شد و اذان داد. وقتی به "حی علی الصلاة، حی علی الفلاح" رسید، گردنش را به راست و چپ چرخاند و بدنش را نچرخاند.

[صحیح است] [به روایت ترمذی - به روایت ابوداوود]

رسول الله صلی الله علیه وسلم در وادی ابطح در بالای مکه فرود آمد. و بلال درحالی خارج شد که باقی مانده آب وضوی رسول الله صلی الله علیه وسلم را به همراه داشت و مردم بدان تبرک می جستند؛ و بلال اذان گفت. ابوجحیفه می گوید: من به دهان بلال نگاه می کردم که هنگام گفتن "حی علی الفلاح" به سمت چپ و راست مایل می شد تا مردم بشنوند، زیرا این دو عبارت (حی علی الصلاة و حی علی الفلاح) به شرکت در نماز تشویق می کنند. سپس برای رسول الله صلی الله علیه وسلم نیزه کوچکی نصب شد تا سترہ ی ایشان در نماز باشد. و نماز ظهر را دو رکعت خواند. ایشان از آنجا که مسافر بود پیوسته نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت می خواند تا اینکه به مدینه بازگشت.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10618